

مسئولیت اخلاقی در نگاه ملاصدرا

Mulla Sadra on Moral Responsibility

Batool Taherian Dehkordi*
Mahmoud Sheikholeslami**
Rajab Akbarzadeh***

بتول طاهریان دهکردی*
محمود شیخ‌الاسلامی**
رجب اکبرزاده***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۱

Abstract

Topices related to moral responsibility can be seen among the works of Mulla Sadra. Mulla Sadra considers moral responsibility with innovations in the field of originality of existence (esalat-e wujood), gradation of existence (tashkik-e wujood), necessary state of the soul, and final cause, which considers moral responsibility of having implications includes acts, agent and unity of acts, agent and patient (agency and patiency). The agent must also have positive conditions such as authority, power and science. Negative conditions are also ignorance, opacity of sins and self-impurity and imitation. Mulla Sadra expresses the act of moral responsibility on the basis of the final cause and agent's or doer's action, and considers all human actions lead to perfection for the final end. Human being is the whole truth of the universe that includes Ideal and intellectual immateriality and material grade and the manifestation of divine essence. In this paper, in a descriptive-analytical method, Mulla Sadra's view on human beings and their responsibilities towards themselves, God and others, and how to create a sense of responsibility in human being and acting in accordance with them are expressed. Mulla Sadra believes that even with minimal science, human can provoke faculty of appetence and create the faculty of appetence, a sense of responsibility in human being and is possessed through will by practical intellect and has attained divine governor. In the system of unity of existence, the actual agents are devoted to Necessary Being and the system of being and even the activities of the servants are conveyed by the Necessary Being. The attribution of the activity to the contingents due to their ability and their grades do not also contradict all attributes of God. So human is morally responsible for achieving favorable perfection.

Keywords: Concept of Moral Responsibility, Necessities of Moral Responsibility, Qualifications of Moral Responsibility, Mulla Sadra.

چکیده

مباحث مربوط به مسئولیت اخلاقی گرچه مبحثی مشخصی در آثار ملاصدرا ندارد اما در لابه‌لای آثارش قابل مشاهده است. او با ابتکاراتی در زمینه اصالت وجود، تشکیک وجود، شئونات نفس و علت غایی، مسئولیت اخلاقی را دارای لوازمی می‌داند که عمل، عامل و اتحاد عمل، عامل و معمول را شامل می‌شود. عامل هم باید دارای شرایط ایجابی باشد، از جمله اختیار، قدرت و علم، و هم شرایط سلبی که عبارتند از جهل، کدورت معاصی، خبث نفس و تقلید. ملاصدرا عمل طبق مسئولیت اخلاقی را بر اساس علت غایی و علت فاعلی بیان کرده و همه افعال آدمی را اشتدادی دانسته که به‌سوی غایت رهنمون است. انسان کون جامعی است که شامل تجرد عقلی مثالی و مراتب جسمانی و پرتو تجلی ذات الهی است. در این نوشتار با روشی تحلیلی-توصیفی، دیدگاه ملاصدرا را در مورد انسان و مسئولیت‌های او در برابر خود، خدا و دیگران و نیز چگونگی ایجاد حس مسئولیت در انسان و عمل طبق آن بیان شده است. ملاصدرا معتقد است انسان حتی با علم حداقلی هم می‌تواند قوه شوقیه را تحریک کند، قوه شوقیه، احساس مسئولیت را در انسان ایجاد کرده و توسط اراده که تحت تسخیر عقل عملی است به مرتبه خلیفه‌اللهی دست می‌یابد. در نظام وحدت وجود، فاعلیت حقیقی به واجب‌الوجود اختصاص دارد و وجود هستی و حتی افعال بندگان، از جانب واجب‌الوجود افاضه شده و نسبت دادن فعل به ممکنات با توجه به قابلیت و مراتب آنان، با نسبت دادن همه موجودات به خدا منافات ندارد، پس انسان برای رسیدن به کمال مطلوب، از نظر اخلاقی مسئول است.

واژگان کلیدی: مفهوم مسئولیت اخلاقی، لوازم مسئولیت اخلاقی، شرایط مسئولیت اخلاقی، ملاصدرا.

*. Ph.D. Student in Islamic Education; Islamic Ethics, and Lecturer, Payame Noor University, Qom, Iran. taherian.batool@gmail.com

** . Assistant Professor, Payame Noor University, Qom, Iran. sh.eslami47@gmail.com

***. Assistant Professor, Payame Noor University, Qom, Iran. rajab.akbarzade@yahoo.com

* . دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق اسلامی و مربی دانشگاه پیام نور، قم، ایران. taherian.batool@gmail.com

** . استادیار دانشگاه پیام نور، قم، ایران (نویسنده مسئول). sh.eslami47@gmail.com

***. استادیار دانشگاه پیام نور، قم، ایران. rajab.akbarzade@yahoo.com

مقدمه

یکی از اساسی‌ترین بحث‌های فلسفی، دینی، اخلاقی و حقوقی، بحث از مسئولیت است. مسئولیت از مفاهیمی است که در اخلاق و همچنین در فلسفه اخلاق مطرح می‌شود. انسان با توجه به پذیرش امانت الهی (احزاب: ۷۲)، به تن نمودن لباس کرامت (اعراف: ۲۶)، برخوردار بودن از برترین ظرفیت علمی و آشنایی با اسمای الهی (اسراء: ۱۱۰) جایگاه برتری پیدا کرد و مقام خلافت الهی را در زمین به خود اختصاص داد. لازمه حفظ چنین جایگاهی پذیرش مسئولیت اخلاقی است. از طرف دیگر، مباحثی همچون معاد که صحنه بازخواست انسان است، ضرورت بحث از مسئولیت اخلاقی را بیان می‌کند که تضمین‌کننده اجرای احکام اخلاقی است.

با توجه به اهمیت حکمت صدرایی و نگاه عرفانی، فلسفی و قرآنی ملاصدرا به مباحث اخلاقی، در این نوشتار کوشیده‌ایم بحث مسئولیت اخلاقی را در اندیشه ملاصدرا ردیابی کنیم. در آثار ملاصدرا، بحثی مستقل در زمینه مسئولیت اخلاقی وجود ندارد ولی در بین آثار وی، مطالب مهمی وجود دارد که به این مبحث مربوط می‌شود.

برای تبیین مسئولیت اخلاقی در نظام وحدت وجودی ملاصدرا، با شیوه توصیفی-تحلیلی، بیان لوازم و شرایط مسئولیت اخلاقی - چه شرایط سلبی و چه ایجابی - و همچنین شناخت انسان و حقیقت وجودی او لازم است. در نتیجه سعی بر آن است که بر مبنای اندیشه ملاصدرا به این پرسش پاسخ داده شود که چگونه ممکن است ذات واجبی که فاعل مطلق است و افعال بندگان از جانب واجب‌الوجود افاضه شده، انسان را اخلاقاً مسئول کردارش بداند؟

۱. مفهوم و عوامل احساس مسئولیت اخلاقی

مسئولیت اخلاقی عبارت است از الزام به انجام کارهای اخلاقی، با این شرط که فاعل آن بتواند

عواقب حاصل از آن کارها را به‌عهده بگیرد. انسان‌ها همیشه به‌دنبال کمال مطلوب و سعادت نهایی هستند. از نگاه ملاصدرا کمال یعنی قرب و وصال الهی؛ فاعل یا خود کامل است که غایتی زائد بر ذات خود ندارد یا ناقص است که باید برای رسیدن به کمال تلاش کند. ملاصدرا یکی از عوامل درک مسئولیت اخلاقی را فاعلیت ناقص انسان می‌داند؛ عشق به کمال احساس مسئولیت را در فاعل ناقص ایجاد می‌کند و اعمال و افعال او را به‌سوی کمال جهت می‌دهد. فرد بی‌مسئولیت برای استیفای کمال تلاشی نمی‌کند.

عامل دیگری که حس مسئولیت را در انسان برمی‌انگیزاند، معرفت‌الله است. از نظر ملاصدرا، معرفت‌الله زیربنای نظام اخلاقی و مهم‌ترین رکن در دریافت حکمت است (ملاصدرا، ۱۳۶۰ الف: ۱۳۱). توحید، ضامن ثبوت و پایداری اخلاق و اعتقاد به معاد، دلیل اساسی بازداشتن افراد بشر از پیروی از هوی و هوس است (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۱/۱۵۵). وقتی انسان دین را به‌عنوان یک حقیقت بپذیرد، این پذیرش، قهراً محدودیت‌هایی در روابط او ایجاد می‌کند (مطهری، ۱۳۷۶: ۵۴۱).

۲. پیشینه بحث از مسئولیت اخلاقی

اندیشه درباره مسئولیت اخلاقی تاریخچه‌ای طولانی دارد و پیشینه آن را می‌توان در قالب مباحث بسیار کهن «وظیفه و الزام» به‌روشنی مشاهده کرد. سقراط پدر فلسفه اخلاق، در ابتدای رساله کرتیون، ضمن طرح یک حکایت معمای، وظیفه و مسئولیت آدمی در برابر قوانین را به‌تصویر کشیده است. ارسطو فرد را مسئول عمل خویش می‌داند و ضمن بیان مباحث مربوط به آن، مبانی و شرایط مسئولیت اخلاقی را نیز روشن می‌سازد (شهریاری، ۱۳۸۵: ۱۶۰). آمویناکی نیز عقیده دارد که همه انسان‌ها تقریباً از همان ابتدا مسئول گزینش‌های خود هستند. او دیدگاهی جدید و وسیع در باب ارتباط بین گزینش فعل و منش عرضه کرده که ارسطو آن را مطرح نکرده است

ابتدا باید عملی توسط عامل صورت گیرد تا عامل را اخلاقاً مسئول انجام یا ترک آن عمل دانست.

۱-۳. عمل

نخست باید عملی انجام گرفته باشد تا بتوان فرد را در قبال آن بازخواست کرد. از نظر ملاصدرا، تشکیک در تمام هستی جریان دارد. همه افعال آدمی اشتدادی است که به سوی غایت در حرکت است. عشق به کمال احساس مسئولیت را در فاعل ناقص ایجاد کرده و اعمال و افعال او را برای کسب کمال جهت می‌دهد. او عمل را متأثر از هویت عامل می‌داند (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ۹/ ۳۰۹). عمل انسان نه بالعرض است، نه بالطبع و از فاعلی صادر شده که علم او در انجام آن فعل نقش دارد. چنین فاعلی با علم خود این فعل اختیاری را انجام می‌دهد (همو، ۱۳۶۶: ۳/ ۲۲۴).

هویت انسان از علم و عمل تشکیل شده است. باید عملی وجود داشته باشد که انسان را نسبت به آن مسئول بدانیم، پس هنگامی که انسان در عالم مادی است و مراتب استکمال خود را طی می‌کند، پیوسته عامل است و عملش از او جدایی‌ناپذیر (همو، ۱۳۶۸: ۳/ ۴۱۸).

ملاصدرا عمل در انسان برگرفته را از میل اختیاری می‌داند. این عمل باید مبنایی داشته باشد که همان علم است. مراد از علمی که انگیزه عمل می‌شود، همان هدفی است که عرفا نیز به دنبال آن هستند که مشاهده حضوری حقایق الهی است و منظور از آن همان قرب و وصال الهی است. از نظر ملاصدرا، برای رسیدن به سعادت، فقط علم و شناخت کافی نیست. علم بدون عمل، انسان را به غایت نهایی نمی‌رساند. لذا برای رسیدن به سعادت، سالک الی الله باید به دنبال کسب علم و معرفت باشد. منظور از علم تنویر و تکمیل به صور حقایق و منظور از عمل، تصفیة باطن و تطهیر قلب است و فایده تهذیب باطن، حصول صور علوم حقیقیه است (حسینی اردکانی، ۱۳۷۵:

همان: ۱۵۵). سیسرو، فیلسوف معروف یونانی، در آخرین کتاب خود به نام درباره وظایف می‌خواهد چارچوبی مفهومی فراهم آورد تا همه بتوانند تحلیل کنند که کیستند و چه عملی بر آنها واجب است (بکر، ۱۳۷۸: ۲۱۵). بعضی از فلاسفه قرون وسطی، از جمله آگوستین در کتاب اخلاقیات کلیسای کاتولیکه و آکونیاس در کتاب مجموعه الهیات با طرفداری از نوعی وظیفه‌گرایی، مسئولیت‌پذیری را ضمن مباحث وظایف مطرح کرده‌اند.

در بین فلاسفه غربی متأخر، اولین بار کانت، فیلسوف آلمانی، بحث مسئولیت اخلاقی را مطرح کرده است. او مسئولیت انسان را در برابر عقل می‌داند و معتقد است انسان ذاتاً خود را در برابر حکم و تکلیف عقلی، مسئول می‌یابد (کانت، ۱۳۶۹: ۳۳). برخی از مکاتب، انسان را در برابر جامعه و روح جمعی مسئول می‌دانند. مارکسیست‌ها و جامعه‌شناسانی مانند امیل دورکیم که برای جامعه در برابر فرد اصالت قائلند، چنین عقیده‌ای دارند. برخی نیز مانند ژان ژاک روسو، انسان را در برابر وجدان و ضمیر باطنی مسئول می‌دانند (غروی‌ان، ۱۳۸۹: ۵۲).

اندیشمندان مسلمان نیز همواره با در نظر گرفتن مسئولیت انسان در برابر خداوند، به این بحث پرداخته‌اند. از نظر بعضی از آنها، همه مسئولیت‌های انسان، فقط در سایه مسئولیت او در برابر خداوند توجیه‌پذیر است. اهمیت بحث مسئولیت نزد فلاسفه از یک طرف و ارتباط این بحث با مباحثی مانند «علیت»، «جبر و اختیار»، «علم مطلق الهی»، «قدرت فراگیر خداوند» و مبحث بسیار پیچیده «قضا و قدر الهی» از طرف دیگر، اهمیت آن را دوچندان کرده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۱۱۰).

۳. لوازم مسئولیت اخلاقی

درک و فهم مسئولیت اخلاقی مستلزم بیان لوازم اساسی آن است. عمل از عامل جدایی‌ناپذیر است،

۳۱؛ ملاصدرا، ۱۳۴۰: ۱/ ۷۴).

۲-۳. عامل

عمل انسان همواره عاملی دارد و تا عامل نباشد، سخن از مسئولیت معنا ندارد. ملاصدرا در کتب و آثارش، از اقسام فاعل نام می‌برد؛ او در اسفار شش قسم و در المشاعر هفت قسم از فاعل را مطرح کرده است: بالطبع، بالقسر، بالتسخیر، بالقصد، بالرضا، بالعنایه و بالتجلی (همو، ۱۳۶۳: ۲۰۱). او فاعلیت دیگری را نیز مطرح کرده که با عشق همراه است. این نوع فاعلیت، یعنی عشق فاعل سبب می‌شود فعل انجام گیرد. شعور به کمال سبب عشق در انسان می‌شود (همو، ۱۹۸۱: ۹/ ۳۴۷).

تمامی افعال و تحریکات، اعم از حیوانی و نباتی، به نفس منسوب است و نفس نسبت به آنها نوعی فاعلیت دارد. آگاه بودن نسبت به ذات، شوق و عشقی که نفس ذاتاً نسبت به کمالات خود دارد، موجب می‌شود شوقی طبیعی در نفس حاصل شود. این شوق طبیعی، افعالی را در نفس پدید می‌آورد، هر چند نفس نسبت به افعال آگاهی ندارد بلکه همان علم نفس به ذات و کمالات خود برای مبدأیت نسبت به این افعال کفایت می‌کند. عشق به وجود و شوق به کمال غایتی است که ذاتاً به سوی آن حرکت می‌کند (همان: ۹/ ۳۴۷؛ همو، ۱۳۶۰ الف: ۲۸۷).

عمل با عامل متحد است و علم و عمل هر دو معلول و مراتب فاعل عاشقند. با افزودن این قاعده که در فاعل تشکیکی «المتحد مع المتحد مع الشیء متحد بذلک»، می‌توان گفت در نفس انسانی که فاعل تشکیکی است، علم و عمل متحدند (سبزواری، ۱۳۹۲: ۷۱۱).

ملاصدرا معتقد است ابتدا باید عامل را بشناسیم تا به عمل او پی ببریم. با توجه به اینکه انسان نیازهای متعددی دارد، طبق نظام ارزشی خود فعل خاص را انجام می‌دهد و بر اساس اهمیت و اولویت نوع فاعلیت او مشخص می‌شود. از آنجا

که (۱) عامل، عاشق بالذات و خودآگاه است، (۲) علم به غایت محرک فاعل است، (۳) عامل بر اساس حرکت اشتدادی استکمال اخلاقی، در طلب کمال است، و (۴) «کل ما بالعرض ینتهی الی بالذات»، عمل عامل را باید بر اساس خودآگاهی عامل بشناسیم. این خودآگاهی منشأ پاسخ‌گویی به عملی است که انجام می‌دهد. (ملاصدرا، ۱۳۶۶ ب: ۳/ ۴۵) پس بهترین راه شناخت عامل (انسان)، خود انسان است.

۳-۳. اتحاد عمل، عامل و معمول

بیان ملاصدرا دربارهٔ ارتباط عمل، عامل و معمول، از عرفان نشئت گرفته است. همان‌گونه که عقل، عاقل و معقول متحدند، عمل، عامل و معمول نیز متحدند. بر اساس نظریهٔ اتحاد عاقل و معقول، ملاصدرا سه نتیجه در مورد عمل مطرح می‌کند:

(۱) عامل تنها آنچه نزد نفس اوست را می‌شناسد و جز به آنچه نزد نفس اوست، حب ندارد و جز آنچه در نفس اوست را اراده نمی‌کند. به سخن دیگر، نفس به هر آنچه در قلمرو هستی اوست علم دارد. پس نفس یک منشأ علمی است.

(۲) زمانی که به کمال عمل علم پیدا کرد، ارادهٔ او به همان حیظه و قلمرو علم او تعلق می‌گیرد (همو، ۱۳۶۸: ۱/ ۲۵۳). به هر حال، خروج نفس از قوه به فعلیت، همان حصول صور ادراکی و ارادی برای نفس است. متحد شدن عمل با عامل، همان تحول وجود ناقص به کامل است، نه آنکه شیئی معدوم شود و شیء دیگر موجود گردد (همو، ۱۴۲۰: ۲۹۲؛ کرمی، ۱۳۸۵: ۴۰). وقتی ادراک انسان از قوه به فعل درآید، نوعی ترقی وجودی است. به همین ترتیبی که صورت علمی با نفس که مجرد قائم به ذات خود است متحد شده، در قوهٔ تحریکی نیز عمل با نفس متحد شده است و همچنانکه عامل، عمل و معمول است، هر معمول نیز به حکم اتحاد با عمل، عمل و عامل است (همان: ۴۱)، به این معنا که نفس در مرتبهٔ

از آنجا که ملاصدرا نظریه جبر و تفویض را قبول ندارد و به امر بین الامرین باور دارد، برای اثبات اختیار انسان - در تفسیر این نظریه - می‌گوید: انسان موجودی ممکن‌الوجود است که امکان فقری باعث می‌شود تمامی شئونات و هستی او عین‌الربط به خداوند باشد (لاهیجی، ۱۳۸۶: ۳۹۴). هر موجودی به حکم فقر و امکان ذاتی، منتهی به وجود واجب‌الوجود و اراده و اختیار هر مرید مختاری منتهی به اراده و اختیار ذاتی ازلی الهی است. تمامی افعال ارادی شأنی از شئونات افعال الهی است و انسان در اختیاری بودن خویش مختار نیست. پس انسان از همان جهت که مختار است، مجبور و از همان جهت که مجبور است، مختار است (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ۱/۶؛ مصلح، ۱۳۵۳: ۳۴۱).

انسان قادر و مختار آفریده شده و افعال صادره از او مسبوق به قصد و انگیزه برای رسیدن به کمال و رفع نقایص است. پس او مضطر است که فعل انجام دهد و قدرت بر فعل و ترک داشته باشد، در نتیجه انسان مختار مضطر و قادر مضطر است (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ۱/۱۳۲). حکمت الهی اقتضا می‌کند اگر به انسان اختیار و اراده آزاد اعطا فرماید، برای رسیدن به خیر بیشتر انسان را مسئول بداند، چون مسئولیت شرط لازم برای عدم استفاده سوء از اختیار است.

انسان مضطر به ظاهر مختار است، یعنی انگیزه‌هایی بیرونی انسان را وادار می‌کنند تا اراده کند و یکی را بر دیگری برگزیند؛ نه به این معنا که انسان مجبور است و از او سلب اراده و اختیار شود، بلکه انسان مجبور است اراده کند. انگیزه خارجی انسان را مضطر می‌کند تا مختار و اراده‌کننده باشد. انسان چون ناقص است، نسبتش به فعل و ترک، علی‌السویه است، انگیزه خارجی انسان را از این وجه تساوی، خارج می‌کند. پس افعال ارادی هر چند برای فاعل نوعی

عمل، عامل است. به سخن دیگر، هر گونه فعل که از قوای نازله صادر می‌شود به‌عینه فعل و عمل نفس است (ملاصدرا، ۱۳۶۸: ۸/۱۳۴).

۳) بر این اساس، انسان مساوی با نیت و عمل است، چون نیت و عمل شاکله وجودی انسان را تشکیل داده‌اند. آنچه انسان در آخرت با آن روبه‌روست، نتیجه و صورت اعمال و آثار ملکاتش است (همان: ۹/۲۹۵) و هر عملی از اعمال انسان که از نیت، قصد و اراده منبث می‌شود، اثری از آن در غیب وجود انسان باقی می‌ماند (آشتیانی، ۱۳۸۱: ۱۹۱). جهت باقی عمل که منشأ ثواب یا عذاب است، همان نیت حاصل در مقام باطن انسان است که عمل از آن ناشی می‌شود (همان: ۴۸۷). زمانی که انسان اخلاقاً خود را مسئول ببیند، ابتدا فعل و نقشی که در رساندن انسان به سعادت دارد، توسط نفس بازبینی شده، پس از تصور یا تصدیق به آنکه فعل کمال است، به‌عمل درمی‌آید.

۴. شرایط مسئولیت اخلاقی

از نگاه ملاصدرا عامل زمانی مسئولیت اخلاقی دارد که شرایطی برخوردار و از برخی شرایط، مبرا باشد. شناخت این شرایط به عامل کمک می‌کند تا وظایف خود را بهتر بشناسد و اخلاقی عمل کند.

۴-۱. شرایط ایجابی

شرایط ایجابی ذیل عنوان اختیار، قدرت و علم قابل بحثند و در اثبات مسئولیت اخلاقی نقش دارند. اختیار و قدرت به ویژگی‌های ارادی عامل بستگی دارد و علم، ویژگی معرفتی عامل است. این عوامل از اساسی‌ترین شروط در اثبات مسئولیت اخلاقی هستند.

۴-۱-۱. اختیار

از شرایطی که مسئولیت اخلاقی به‌واسطه آن اثبات می‌شود، اختیار است که به آن اراده آزاد یا موجبیت هم گفته است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۱۶۰).

به دو قوه و محتاج به دو عامل خارجی است: یکی قوه اراده و مشیت که هنوز به فعلیت نرسیده و دیگری قوه فعل و عمل که هنوز به فعلیت نرسیده است. غایة الامر قوه اراده و مشیت در نفس است و قوه فعل و عمل در اعضاء و جوارح انسان است (مصلح، ۱۳۵۳: ۳۴۴-۳۴۳).

از مبادی انجام فعل، اراده است که یکی از صفات اساسی آن قدرت می باشد. انسان اراده ای دارد که تحت تسخیر عقل عملی است. اراده فصل ممیز انسان از بهایم در بعد عملی است که از عقل عملی به انسان اجازه آینده نگری می دهد و به عواقب اعمال خود در جهان هستی علم پیدا کند.

۴-۱-۳. علم

اگر افراد درباره اعمالشان آگاهی داشته باشند، آنگاه می توان از عامل انتظار مسئولیت اخلاقی داشت.

از نظر ملاصدرا اساس شریعت بر مبنای معرفت و اعتلای اندیشه و انگیزه پایه ریزی شده است. آنچه مطلوب حقیقت است، در آئینه ضمیر حاصل نمی شود، مگر بعد از آنکه صورتی چند که مناسب مطلوب اصلی باشد، در وی درآید. هر طالب علمی را ممکن نیست که راه بدان مطلوبی که او را حاصل نیست، ببرد، مگر به واسطه ملاحظه نمودن معلومی چند مناسب که او را حاصل است (ملاصدرا، ۱۳۴۰: ۱/ ۱۰۰).

در نگاه ملاصدرا علمی که تحریک کننده است حتماً نباید علم یقینی یا باور تصدیقی باشد، بلکه هر نوع علمی برای صدور فعل کافی است. بنابراین، هر علم جزئی، ظنی یا خیالی می تواند محرک باشد (همانجا). او حتی خیال را در تحقق اعمال دارای نقش علی می داند، صور خیالی که شأنی از شئون نفس است و در صقم و حیطة وجودی نفس، قیام صدور به نفس دارد، سبب می شود قوه شوقیه تحریک شود و سپس قوه شوقیه انگیزه فعل را در فاعل ایجاد می کند.

بر مبنای حکمت متعالیه، علم مقول به تشکیک

کمال است، اما نفس این نوع فعل، نشانه نقص عامل است نه کمال. ملاصدرا در این باره می گوید: «همانا نفس در ما و در سایر حیوانات در رفتارها و حرکات خود مضطر و بی اختیار است. زیرا رفتارها و حرکات او مانند فعل و حرکات طبیعت تسخیری است، چون که این حرکات و رفتارها تنها به حسب اغراض و انگیزه های خارجی تحقق می یابد. پس نفس نسبت به ما مانند طبیعت است که در رفتارها و حرکاتش در تسخیر غیر است. فرق بین نفس و طبیعت در این است که نفس به اغراض و انگیزه های خود داناست ولی طبیعت از انگیزه های خود آگاه نیست» (همان: ۱۶ / ۳۱۲؛ کرمی، ۱۳۸۵: ۲۵۷).

اگر امور نفسانی به هیچ وجه اختیاری نباشد، لازم می آید تعلیمات اخلاقی برای تقویت اراده و تعقل، لغو و بی ثمر باشد، حال آنکه ما بالضروره اختیاری بودن این موضوع را احساس می کنیم (طباطبایی، ۱۳۶۸: ۳ / ۱۶۵).

۴-۱-۲. قدرت

انسان باید توانایی انجام فعل را داشته باشد تا در مقابل انجام فعل به طور اخلاقی مسئول باشد؛ کسی که در مقابل انجام فعل قدرتی ندارد مسئولیت اخلاقی هم ندارد.

از دید ملاصدرا قدرت در انسان عبارت است از امکان و قوه فعل (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ۱۶ / ۳۲۰). قدرت انسان قوه بر فعل و قوه بر ترک فعل است که در ترجیح یکی بر دیگری، به وجود مرجحی از قبیل داعی زائد و موجب حادثی محتاج است تا قوه بر فعل از قوه به فعلیت برسد. همچنین هر گاه اراده و مشیت کنیم فعلی را انجام دهیم، بدیهی است که نفس اراده و مشیت در انسان مانند فعل و عمل، موجود بالقوه است و فعلیت اراده و مشیت در انسان، محتاج به وجود مرجح و سببی است تا اراده و مشیت انسان از قوه به فعلیت برسد. بنابراین، قدرت انسان بر فعل، منحل

حشر و نشر ارواح و اجساد به معرفت دل است و اکثر آدمیان از آن غافلند، مهم‌ترین اسباب شقاوت و ناکامی عقبا دانسته و معتقد است هر که معرفت نفس حاصل نکرده و خدای را نشناسد، با دواب و انعام برابر باشد و خود را مسئول نمی‌بیند؛ «اولئک کالانعام بل هم اضل» (اعراف/ ۱۷۹).

۲-۲-۴. کدورت معاصی و خبث نفس

از آنجا که انسان مختار و دارای اراده آزاد است، اعمالش منتسب به اویند و از وجود او سرچشمه می‌گیرند، لذا در برابر اعمالش مسئول است. استناد اعمال انسان به خدا از انسان سلب مسئولیت نمی‌کند. انسان موجود در قیامت از دانسته‌ها و باورهای خود تکوین یافته است (ملاصدرا، ۱۳۶۰: ب: ۳۳۶). معاصی سبب بسیاری از شهوات و فسوق در نفس می‌شود و مانع تجلی حق است. هیچ گناه و خطایی نیست که اثری در دل از کدورت وی حاصل نشود؛ «و من يعمل مثقال ذرة شرا یره» (زلزال/ ۸). پس اگر معاصی بسیار شود و کدورت و ظلمت رسوخ پیدا کند، دل را چنان می‌کند که از استعداد انکشاف علوم در وی اثری نماند (ملاصدرا، ۱۳۴۰: ۱/ ۹۷؛ حسینی اردکانی، ۱۳۷۵: ۴۲).

هر که آینه دل را که قابل عکس انوار معرفت الهی و پرتو نور توحید بود، در شهوات و مرادات نفس و کدورات معاصی و غشاه طبعیت فرو برده و جام جهان‌نمای روح را در ظلمات بدن و لجن دنیا غوطه داده، کی روح فلاح و نجات را خواهد دید و کجا پذیرای صلاح و قابل صیقل دل‌زدای کلمات حکمت آیات خواهد گردید؛ حکمت و نصیحت و موعظت دل خفته و غیرمسئول را بیدار کند، اما دل مرده را سود نبخشد (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ۱/ ۲۹؛ حسینی اردکانی، ۱۳۷۵: ۳۸).

۳-۲-۴. تقلید

انسان فاعل مختار است و مطلوب نهایی دارد. او برای رسیدن به کمال نهایی وظایف و

دارای مراتب است. دلیل شدت و ضعف در مراتب خارجی وجود، قرب و بعد آنها به حق محض است و شدت و ضعف در مراتب علمی، به صفای ضمیر و کدورت آن بستگی دارد. عامل باید نسبت به عمل معرفت داشته باشد تا با آگاهی کامل بداند اعمالش چه پیامدهایی را در بر دارد. از طرف دیگر، علم به حضور عالم نمی‌رود بلکه عالم به خدمت علم می‌رود. رفتن به سوی علم با حرکت جوهری نفس که جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاست، حاصل می‌شود. در این بیان، سخن از تجرید و تقشیر نیست، بلکه نفس انسان متحرک بوده، به سوی علم می‌رود. البته نفس که متحرک و متعلم است، محرک و معلمی برتر از خود دارد (همان: ۱/ ۲۲۰).

زمانی مسئولیت اخلاقی در انسان معنا دارد که فرد آگاهانه و عاقلانه نسبت به اعمالش و پیامد آن آگاهی داشته باشد. وجود علمی مرتبط با نفس، اگر وجودی نظیر معقولات نفس، قوی باشد، با ارتقاء به سوی آنها و اتصال با آنها، بی‌آنکه در نفس حلول کنند، مظهر آنها می‌شود (همان: ۱/ ۲۶۹). هر چه انسان در مراحل برتری از عقلانیت باشد، دیگر قوای نفس را آسان‌تر می‌تواند تحت سلطه خود درآورد.

۲-۲-۴. شرایط سلبی

آینه دل باید از صفاتی که مانع از پرتوافکنی نور یقین در آن می‌شود و انسان را موجودی غیرمسئول بار می‌آورد، مبرا باشد. شروط سلبی عبارتند از جهل، کدورت معاصی، خبث نفس و تقلید. تحقق این شروط باعث انتفای مسئولیت اخلاقی می‌شود.

۱-۲-۴. جهل

جهل از اموری است که به انتفای مسئولیت اخلاقی می‌انجامد. ملاصدرا جهل به معرفت نفس را که حقیقت آدمی و بنای ایمان به آخرت و معرفت

خداوند سبحان گرچه از مثل و مانند منزّه است، لیکن مثال دارد و انسان، آیت و مثال کبرای الهی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۵۲).

یکی از ویژگی‌های حکمت متعالیه این است که وجودات امکانی، حقایقی نیستند که دارای ربط و تعلق به واجب‌تعالی باشند، بلکه عین ربط به واجب‌تعالی هستند. به عبارت دیگر، فاقد ذات مختص به خود بوده و چیزی جز شئون و تجلیات صفات علیا و پرتوی از انوار جمال و جلال حضرت حق نیستند (همان: ۸۲). چنین انسانی می‌تواند به مقام خلیفه‌اللهی دست یابد. «در انسان شایستگی در لباس درآمدن و رسیدن به هر چیزی از انوار قیومی و روشنایی‌های لاهوتی و جامعیت اتصاف به هر هیئتی از هیئت‌های بدنی و ملکات ناسوتی، هست» (ملاصدرا، ۱۳۶۸: ۱۶۸). انسان در عالم تشریح بر اساس این شایستگی‌ها، مسئولیت دارد. البته باطن این گوهر خلقت، معجونی از صفات و قوایی است که بعضی بهیمی، بعضی سبعی، بعضی شیطانی و بعضی ملکی هستند. اصول اخلاق همین چهار است که در باطن انسان سرشته شده و خلاص از ظلمات سه نوع اول، به نور هدایت مستفاد از شرع و عقل حاصل می‌تواند باشد (کرمی، ۱۳۸۵: ۲۷).

آنچه انسان را از نظر اخلاقی متمایز می‌کند این است که انسان در اثر تعالی روح به جایی برسد که با اختیار خود به دنبال صفات ارزنده اخلاقی می‌رود. ملاصدرا در مورد آیه ۷۲ سوره احزاب، معنی عرضه امانت را پذیرش فیض وجودی دانسته که مختص انسان کامل است (ملاصدرا، ۱۳۶۰: ۸۴).

ملاصدرا انسان را جهان اصغر و مثال عالم اکبر می‌داند که همه موجوداتی که در عالم کبیر متحققند، در عالم صغیر که انسان باشد، منظوی هستند. از طرفی، منتهای این جهان عدم نیست، حشر خلایق بر حسب روح و باطن، به انواع

مسئولیت‌هایی را بر عهده دارد. تقلید از موانعی است که مانع رسیدن انسان به سعادت است. قرآن تقلید را مانع اساسی تعقل و درک درست مطالب و تحصیل عقاید و معارف صحیح می‌داند (زخرف/ ۳۰-۲۳). البته نکوهش تقلید، هرگز به این معنا نیست که در زندگی از هیچ کس بهره فکری نگیریم، بلکه تقلید نکوهیده، پیروی چشم و گوش بسته است که جلوی رشد مادی، معنوی و فکری را می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۱۴۸).

ملاصدرا در این باره می‌گوید: «نکوهش تقلید، تقلیدات مقلدان بی‌بصیرت و متعصبان مذهب است که آیین دل را حائل گشته و باعث شده صورت حق در وی ظاهر نشود و نور یقین در آن پرتو نیفتد. بسیاری مردم هر آنچه از پدر یا استاد در ابتدای امر شنیدند، بدان گرویدند و در دل ایشان رسوخ کرده و به‌مثابه سدی در راه سلوک ایشان شده و گاه آن اعتقادات باطل، غلی در گردن نفس ایشان است» (ملاصدرا، ۱۳۴۰: ۹۹/۱؛ حسینی اردکانی، ۱۳۷۵: ۳۹).

۵. تبیین مسئولیت اخلاقی از نگاه ملاصدرا

با توجه به اینکه نظر ملاصدرا درباره مسئولیت اخلاقی در مباحث گوناگون و به‌صورت پراکنده مطرح شده است، برای دستیابی به نظریه‌ای جامع در این زمینه، لازم است به مبانی فکری وی که با مسئولیت اخلاقی ارتباط مستقیم دارند، توجه شود.

۱-۵. انسان از نگاه ملاصدرا

ملاصدرا انسان را کون جامع می‌داند که شامل مجرد عقلی، مثالی و مرتبه جسمانی است؛ «خداوند متعال انسان را از جهان ربوبی آفریده و همه آنچه در عوالم دیگر و نشئات وجودی است، در انسان به‌صورت نشئه جمعی گرد آمده است، چه صفات جمال و جلال و افعال و عوالم و نشئات و خلایق و...» (ملاصدرا، ۱۳۶۶ الف: ۴/۳۴۷). پس خلقت انسان خلقتی خاص و از شگفتی‌های الهی است.

به فنای از خود و دست کشیدن از ذات و ذاتیات خود برای وصول به حقیقت و کشف و شهود خود اوست. اگر کسی بخواهد خود را بشناسد، باید خودش را در مبدأ خویش فانی و غرق ببیند (همان: ۳۴۹-۳۴۸).

برای اینکه نور الهی بر دل انسان فائض گردد، باید آن دل همچو آینه از زنگ معاصی و تعلقات مصفی و مجلی گردد، زیرا همه دل‌ها در آینه بودن به حسب اصل فطرت، بالقوه‌اند. بعضی از قوت به فعل می‌آیند، به وسیله اعمال و افعال صالحه و تکالیف و ریاضات شرعی و بعضی هنوز از قوت به فعل نیامده‌اند و در بعضی آن قوت به سبب اعمال قبیحه و اعتقادات ردیه باطل گشته و آن قابلیت که به حسب اصل فطرت بوده از وی مسلوب و منسوخ گردیده است (ملاصدرا، ۱۳۴۰: ۱/ ۹۴).

۲-۲-۵. مسئولیت در برابر خود

ملاصدرا مکرر بر تأمل و تلاش برای شهود حقیقت این نفخه الهی و خلیفه خداوند تأکید کرده و فضائل بی‌شمار برای آن برشمرده است (کرمی، ۱۳۸۵: ۳۲۶). از دید او مسلمانی که به قرآن اعتقاد دارد، نخست باید انسان را بشناسد و به احوال و اسرار او و مقامات و درجاتش علم پیدا کند. قرآن نسخه‌ای است که کمال انسان و مقامات این خلیفه ربانی را شرح می‌دهد. بنای اعتقاد به آخرت بر معرفت نفس است و صدرا درباره طریق سعادت و شقاوت می‌گوید: «ای صورت‌پرست غافل، چون دانستی بدین بیان روشن که حب و جاه و منصب و لذت مال و ریاست و غرور نفس اماره به مکر و حیلت و آنچه بدان ماند از امراض نفسانی و از مهلکات است که رسوخ در نفس کرده است، در صدد نجات خود باش» (ملاصدرا، ۱۳۴۰: ۱/ ۶۰).

۳-۲-۵. مسئولیت در برابر دیگران

اسلام مسئولیت اخلاقی در برابر دیگران را از

مختلفی تبدیل می‌شود که به دلیل اختلاف اخلاق و استحکام صفاتی است که از تکرار اعمال حاصل می‌شود (همو، ۱۳۶۰ الف: ۳۳۶). پس نفس انسان می‌تواند در طرف علم به مرتبه‌ای برسد که عقل مستفاد شود و به عقل فعال متصل گردد و در مرتبه عمل بعد از تخلیه، تحلیه و تجلیه، مراتب سیر و سلوک را طی کند و به مقام خلیفه الهی دست یابد (همو، ۱۹۸۱: ۱/ ۲۲؛ همو، ۱۳۵۴: ۲۷۵). اینکه انسان به کمال برسد و خلیفه الله گردد، از اهداف خلقت انسان است و وصول به کمال انسانی جز با عمل به فرامین الهی حاصل نمی‌شود که مستلزم وجود مسئولیت است.

از نظر ملاصدرا نفس با تجلیات شناختی و تنظیم رابطه‌ای متعالی و آگاهانه و انسانی با عالم، از غیر خود متمایز می‌شود. همچنین او اراده، عشق و محبت دارد که از سنخ علم و وجودند. جنبه دیگر نفس، کنش و فعل اوست. انسان با عمل خود در این دنیا خود را می‌سازد و در انجام افعالش مجبور مختار است. هر چه اعمال او شأن عقلانی بیشتری به خود بگیرد، اخلاقی‌تر خواهد بود (کرمی، ۱۳۸۵: ۲۷۳-۲۷۲).

۲-۵. انواع مسئولیت اخلاقی

ملاصدرا با مبانی ویژه حکمت متعالیه، قائل به مسئولیت‌هایی نسبت به خدا، خود و دیگران است. البته نسبت این تأملات و نظرها در همه انواع این مسئولیت‌ها برابر نیست و در مواردی کاملاً در حاشیه و ناچیز است.

۱-۲-۵. مسئولیت در برابر خدا

ارتباط انسان و خدا در چارچوب انسان‌شناسی صدرایی، ارتباطی بس عمیق است. حقیقت انسان نظیر اضافه اشراقی و تعلق محض به خداست. بنابراین، اگر کسی که ذاتش عین ربط به حق تعالی است، خود را مشاهده کند، یقیناً خدا را مشاهده خواهد کرد. ملاصدرا مانند عرفای مسلمان، قائل

۲۴۷). علم، اراده، عشق و شعور در همه هستی جریان دارد. اگر در مرتبه مادون هستی ظهور ندارند، به این معنا نیست که علم و در قبال آن مسئولیت و اراده در آنجا معدوم است، بلکه بر اساس نظریه تشکیک، تنها کم‌فروغ و به مرز عدم است گاه مانعی وجود دارد، عدم ظهور به معنای عدم محض نیست (همان: ۱۵۳/۶).

ملاصدرا با بیان حدیث «لا مؤثر فی الوجود الا الله»، معتقد است وجود هستی و حتی افعال بندگان، از جانب واجب‌الوجود افاضه شده است و لذا نسبت دادن فعل به ممکنات با توجه به قابلیت و مراتب آنان، با نسبت دادن همه موجودات به خداوند منافاتی ندارد (همو، ۱۳۶۸: ۱/۶: ۳۷۱).

علامه طباطبایی در این باره معتقد است: نسبت دادن فعل به واجب‌تعالی با انتساب فعل به انسان تضادی ندارد، چرا که فاعلیت انسان نسبت به افعال طولی و نسبت دادن فاعل به واجب‌الوجود به معنای ایجاد است و انسان در وجود و آثار به علت‌العلل وابسته است (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۳۰۴-۳۰۳)، لذا اگر وجودی با واسطه اراده و اختیار انسان تحقق یافت، دارای ارزش اخلاقی است.

خداوند انسان را در جایگاه خود به صورت شایسته آفرید و بر اساس جایگاه هر موجودی، مسئولیت‌هایی هم بر عهده اوست. همه امور مادی و معنوی، چه تکوینی و چه تشریحی، می‌تواند نقش اسباب و علل را ایفا کند و برای انسان مسئولیت‌آفرین باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۸۵).

بحث و نتیجه‌گیری

از آنجا که ملاصدرا نظریه‌ای مستقل درباره مسئولیت اخلاقی ارائه نداد، با توجه به دیدگاه‌ها و نگرش‌های او و اصولی که در نظام فلسفی او استوار است، می‌توان اندیشه او را در مورد مسئولیت اخلاقی مورد توجه قرار داد.

ملاصدرا انسان را متشکل از نفس و بدن می‌داند که حقیقت وجود او را نفس تشکیل

شئون و شاخه‌های مسئولیت اخلاقی انسان در برابر خدا دانسته است. انسان افزون بر اینکه باید به مصالح خویش بیندیشد، در برابر دیگر افراد جامعه خود نیز مسئول است. از نظر ملاصدرا، بخش مهمی از فلسفه ارسال رسل و تشریح شرائع و انزال کتب نیز کنترل و به سامان کردن رفتارهای اجتماعی و جلوگیری از افراط و تفریط‌های آدمی است (همان‌جا). او گاه عزلت و گوشه گرفتن را مناسب می‌داند و این به علت پرهیز از بسیاری از گناهان چون غیبت، ریا و سکوت از امر به معروف و نهی از منکر است. البته او بر تعلیم و تعلم، نفع، انتفاع، تأدیب و تأدب، مأنوس شدن، فضیلت جمعه و جماعت، اعیاد و زیارت دوستان و صلحا، دیدن علما، عادت کردن به تواضع، استفاده از تجارب و کسب اخلاق حمیده از اهل آن، نیز تأکید دارد (کرمی، ۱۳۸۵: ۳۵۵).

۳-۵. مسئولیت اخلاقی در نظام وحدت وجود

از نگاه ملاصدرا اصالت با وجود است. مفهوم وجوب واجب ذاتاً حقیقت وجودی و واحد است (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۲۶) و هر حقیقت دیگری غیر از او به‌ویژه انسان، دارای درجات، شئون و پرتو تجلی ذات الهی است (آشتیانی، ۱۳۸۱: ۱۸۱). خداوند علت‌العلل و فاعل مطلق است (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۲۷۵). امکان ندارد فاعل واحد افعال مختلف را انجام دهد و این مسئله مستلزم ایجاد جهات تکثر در ذات واحد است. طبق قاعده الواحد، اولین صادر از حق تعالی باید موجودی باشد که در او هیچ کثرت و ترکیب حقیقی وجود نداشته باشد.

ممکن است این پرسش ایجاد شود که چگونه در نظام وحدت وجودی، انسان اخلاقاً مسئول است؟ ملاصدرا در جواب این پرسش، موجودات را دارای مراتب تشکیکی می‌داند. در مراتب تشکیکی وجود، وجود از موجودات اشرف به موجودات اخس می‌رسد (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ۷/

انسان موجودی تشکیکی است که تمامی قوای او اشتراکی در مقام کارکرد دارند، و آن عبارت است از جلب منافع و دفع مضرات. پس علت غایی، علت عاملیت عامل است. غایت کمال شیء است، فاعل ناقص تلاش می‌کند تا استکمالی پیدا کند. انسان با شناخت کمال و راه سعادت خود، خود را نسبت به انجام افعالی که او را به سعادت می‌رساند، مسئول می‌داند و آن را اراده می‌کند.

ملاصدرا ادراک و علم در انسان را از عمل شریف‌تر دانسته چرا که معرفت، غایت حرکت است. به نظر می‌رسد بین این دیدگاه و نظرات دیگر او - نظیر اینکه عمل شأنی از هویت نفس است و علم و عمل هویت انسانی را تشکیل می‌دهد - انسجام وجود ندارد. همچنین از نگاه او ممکن است کسی حقیقتاً معرفت به نادرستی امری داشته باشد ولی با این حال، مغلوب شهوات خود شده و آن عمل را انجام دهد، لذا معارف الهی با مکارم اخلاقی حاصل می‌شود و تمامیت مسئولیت اخلاقی، بر اساس عمل انسان در آخرت استیفا می‌گردد. آیات الهی نیز مؤید این مطلب است، مانند وقتی که به تأثیر تقوا در افزایش بصیرت انسان در تشخیص حق و باطل (انفال/ ۲۹) و تأثیر گناه بر معرفت انسان (روم/ ۱۰) اشاره کرده است.

منابع

- قرآن کریم.
 آشتیانی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۱). شرح بر زاد المسافر. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 بکر، لارنس سی. (۱۳۷۸). تاریخ فلسفه اخلاق غرب. ترجمه گروهی از مترجمان. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 سبزواری، ملاهادی (۱۳۹۲). التعليقات علی الشواهد الربوبية. مشهد: مرکز نشر دانشگاهی.
 جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). فلسفه صدرا. محقق محمدکاظم بادپا. قم: اسراء.
 جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶). فلسفه اخلاق. قم: معارف.

می‌دهد. انسان از نفس مجرد عقلی برخوردار است و این نفس دارای قوایی است که همواره به سوی فعلیت بخشیدن به این استعدادها بالقوه در حرکت است. پس باید از معارف عقلی و عالمانه - مانند آگاهی از لقاءالله، حشر و اموری که در مسیر ملاقات با اسمای الهی ضروری و لازم است - نیز برخوردار باشد. این آگاهی‌ها مسئولیت‌آور است، چرا که او موجودی برخوردار از اراده و غایت‌مدار است که نیت و شوق (علت غایی) و اعمال انسانی داخل در هویت اوست و هیچ عملی از او بدون دلیل و غایت حادث نمی‌شود. متنها، این انسان در عین حال نیازمند و فقیر محض است و تمام وجود خود را از آن خداوند می‌داند. خداوند خالق و علت‌العلل و معلول، اضعف از علت خودش است. این معلول مختار آفریده شده، لذا بر اساس ربوبیت و هدایت تشریعی، خداوند حق بازخواست و امر و نهی از انسان را دارد. این امر ملازم با مسئولیت انسان است.

مسئولیت اخلاقی در حکمت متعالیه را می‌توان در افق اصالت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری ترسیم کرد. هر چه انسان در سیر صعودی، سعه وجودی بیشتری داشته باشد، از صفات کمالی بیشتری بهره‌مند خواهد شد و اخلاقی‌تر عمل خواهد کرد. در این نظام، وجود هستی و افعال بندگان از جانب واجب‌الوجود افاضه شده است و نسبت دادن فعل به ممکنات با توجه به قابلیت و مراتب آنان با نسبت دادن همه موجودات به خداوند منافاتی ندارد. او تشکیک را در دار هستی جاری و ساری دانسته و تمامی حرکات، افعال و اعمال را اشتدادی می‌داند که به سوی غایت خود رهنمون هستند و به سبب همین عشق به کمال است که مبدأ به منتهی وصل می‌شود. مسئولیت اخلاقی جزئی از استکمال آدمی است.

ملاصدرا مسئولیت اخلاقی را بر اساس علت غایی و علت فاعلی بیان کرده و باور دارد که

- حسینی اردکانی، احمد بن محمد (۱۳۷۵). مرآت الاکوان (تحریر شرح هدایه). تهران: علمی و فرهنگی.
- شهریاری، حمید (۱۳۸۵). فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدیر مک‌اینتر. تهران: سمت.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۸). اصول فلسفه و روش رئالیسم. قم: صدرا.
- _____ (۱۳۸۶). نه‌ایة الحکمة. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- غروی‌ان، محسن (۱۳۸۹). فلسفه اخلاق. قم: پیک جلال.
- کانت، ایمانوئل (۱۳۶۹). بنیاد مابعدالطبیعة اخلاق. ترجمه حمید عنایت و علی قیصری. تهران: خوارزمی.
- کریمی، حسین (۱۳۸۵). انسان‌شناخت؛ تطبیقی در آراء صدرا و یاسپرس. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). انسان‌سازی در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصلح، جواد (۱۳۵۳). فلسفه عالی یا حکمت صدرالمتألهین. تهران: دانشگاه تهران.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). آشنایی با علوم اسلامی. تهران: صدرا.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۳۴۰). رساله سه اصل. تهران: دانشگاه علوم معقول و منقول.
- _____ (۱۳۵۴). المبدأ و المعاد. تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- _____ (۱۳۶۰ الف). الشواهد الربوبية فی المناهج السلوکية. مشهد: مرکز نشر دانشگاهی.
- _____ (۱۳۶۰ ب). اسرار الآیات. تصحیح محمد خواجوی. تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- _____ (۱۳۶۳). المشاعر. تهران: طهوری.
- _____ (۱۳۶۶ الف). تفسیر القرآن الکریم. قم: بیدار.
- _____ (۱۳۶۶ ب). شرح اصول کافی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- _____ (۱۳۶۸). الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة. قم: کتابخانه مصطفوی.
- _____ (۱۴۲۰ ق). مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتألهین. تهران: حکمت.
- _____ (۱۹۸۱ م). الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- لاهیجی، محمدجعفر (۱۳۸۶). شرح رساله المشاعر. قم: بوستان کتاب.